



سال ۵۳ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۷ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۵۸ - ۳۱	HomePage: https://jquran.um.ac.ir/
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰	تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۰۹/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱	DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.61530.0
نوع مقاله: پژوهشی	

تحلیل مفهومی واژه نور در قرآن بر پایه الگوهای شناختی استعاره مفهومی و استعاره زنجیری دونگاشتی^۱

سکینه نویدی باغی

دانش آموخته دکتری زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر علی ایزانلو (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: aliizanloo@um.ac.ir

دکتر علیرضا قائمی نیا

دانشیار گروه معرفت‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دکتر علیرضا آزاد

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

یکی از مشخصه‌های مشترک متون دینی و مذهبی بسامد بالای مفاهیم انتزاعی و متافیزیک در آن هاست. این متون از استعاره‌هایی سرشارند که بین حوزه‌های مفهومی انتزاعی و ناشناخته و حوزه‌های ملموس و آشنا تر پیوند برقرار می‌کنند. یافته‌های زبان‌شناسان شناختی نشان می‌دهد که برقراری این پیوند موجب سهولت در درک مفاهیم انتزاعی و ناشناخته می‌شود. در این پژوهش با اتخاذ رویکرد معنی‌شناسی شناختی و با استفاده از دو الگوی شناختی نظریه استعاره مفهومی و استعاره زنجیری دونگاشتی، کاربرد استعاری واژه نور در قرآن بررسی شد. مصداق‌های این واژه با استفاده از آرای مفسران در ده تفسیر قرآن به قرآن، عقلی، عرفانی، روایی و ادبی مشخص شدند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که از ۴۳ واژه نور به کار رفته در قرآن، ۴۰ مورد آن به صورت استعاری به کار رفته است. با توجه به مصداق‌های متعدد مطرح شده در تفاسیر بررسی شده، ۶۳ استعاره مفهومی با حوزه مبدأ نور شناسایی شدند که خرده-استعاره‌های چندین کلان استعاره در سه سطح هستند. علاوه بر آن، هفت مورد استعاره دونگاشتی نیز شناسایی شدند که در آن‌ها واژه نور، در یک مفهوم سازی چندوجهی، هم به عنوان حوزه مبدأ و هم به عنوان حوزه مقصد به کار رفته است.

کلیدواژه‌ها: نور، نظریه استعاره مفهومی، استعاره زنجیری دونگاشتی، کلان استعاره، مفهوم سازی چندوجهی.

۱. این مقاله بخشی از پژوهشی است که در قالب طرح شماره سه دانشگاه فردوسی مشهد و با حمایت مالی «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» (فراراد شماره ۱۸۴۳۴۷/ق) انجام شده است.



HomePage: https://jquran.um.ac.ir/	Vol. 53, No. 1: Issue 106, Autumn & Winter 2021 - 2022, p.31-58
Online ISSN: 2538-4198	Print ISSN: 2008-9120
Receive Date: 21-09-2019	Revise Date: 21-12-2019
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.61530.0	Accept Date: 01-03-2020
	Article type: Original

Conceptual analysis of the word 'light' in the Holy Quran; based on two cognitive models: Conceptual Metaphor Theory and Double-ground Metaphoric Chain

Sakineh Navidi Baghi, Ph.D., Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Ali Izanloo (Corresponding Author), Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Alireza Gaeminiya, Associate Professor, Research Institute for Islamic Culture and Thought

Dr. Alireza Azad, Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

One of the common features of religious texts is their high frequency of abstract and metaphysical concepts. Hence, they are full of metaphors that link between abstract and unknown conceptual domains and concrete and familiar ones. The findings of cognitive linguists show that establishing this link facilitates understanding of abstract and unknown concepts. In this study, we will explore the metaphorical use of the word light in the Qur'an by adopting a cognitive semantics approach, using Conceptual Metaphor Theory (CMT) and Double-ground Metaphoric Chain (DGMC). In this descriptive-analytical research, ten Quranic interpretations written in five interpretive methods were used to determine the readings and referents of light in the Quran. Results show that, in 40 cases (out of 43 cases), light is used metaphorically to conceptualize several concepts. According to several referents mentioned for light in ten Quranic representations, 63 conceptual metaphors were found, in which, light is used as source domain. Furthermore, in seven cases, light is used as both source and target domain; i.e., as a central concept in a double-ground metaphorical chain.

Keywords: Holy Quran, light, Conceptual Metaphor Theory (CMT), Double-ground Metaphoric Chain, megametaphor.

مقدمه

قرآن کریم و معانی واژه‌ها و عبارات به کار رفته در آن همواره مورد توجه پژوهشگران انواع رشته‌ها، از جمله زبان‌شناسان بوده است. با ظهور زبان‌شناسی شناختی، برخی پژوهشگران این رشته واژه‌ها، آیات و سوره‌های این کتاب مقدس را از جنبه‌های مختلف شناختی بررسی کرده‌اند. به ویژه با طرح نظریه استعاره مفهومی توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، این بررسی‌ها به صورت دقیق‌تر انجام شده است. از آنجا که مفاهیم انتزاعی و متافیزیک بخش عمده‌ای از متون مذهبی را تشکیل می‌دهند، برقراری نگاشت مفهومی^۱ میان آنها و مفاهیم ملموس‌تر جهت قابل درک ساختن آنها ضروری می‌نماید. استعاره‌ها سبب برقراری ارتباط و نگاشت میان حوزه‌های انتزاعی و ناشناخته و حوزه‌های ملموس‌تر و آشنا تر می‌شوند و از این طریق به درک بهتر مفاهیم به کار رفته در متن می‌انجامند. پیکل^۲ (۲۲) در خصوص ضرورت کاربرد استعاره مفهومی می‌نویسد:

استعاره‌ها به طور کلی کارکرد تبیینی^۳ دارند. فهم برخی موضوعات خاص بدون مفهوم‌سازی آنها توسط استعاره مفهومی مشکل است. حوزه‌های مفهومی انتزاعی، مفاهیم نظری و به ویژه مسائل متافیزیک تنها از طریق استعاره قابل درک هستند. استعاره‌های مفهومی از طریق ایجاد ارتباط میان انتزاعی‌ترین تفکرات مفهومی با تجربه حسی، یک بستر شناختی بدن‌مند و زیست‌فیزیکی فراهم می‌کنند که موجب انسجام و پیوند میان تجاربمان می‌شود.

از روزگار ارسطو تا میانه‌های قرن بیستم درباره ماهیت و نقش استعاره، دیدگاه ثابتی وجود داشت که بر اساس آن، استعاره در اصل، سنتی بلاغی قلمداد می‌شد. اما نظریه پردازان شناختی مانند لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) این نقش زینتی استعاره را به حاشیه برده و بر نقش شناختی قدرتمند آن، برای بیان ایده‌های موجود در ذهن تأکید کردند. (براتی، صالحی، امامی و لویمی مطلق، ۱۰۸) نظریه استعاره شناختی نشان داد که استعاره‌ها جزء جدایی‌ناپذیر زبان و اندیشه روزمره ما هستند. هم زبان روزمره و هم نظام مفهومی‌ای که ما برای مقاصد روزمره به کار می‌بریم از استعاره‌های زبانی و استعاره‌های مفهومی متناظری استفاده می‌کنند که زیربنای استعاره‌های زبانی هستند. (کوچش، ۸)

واژه نور ۴۳ بار در ۳۳ آیه قرآن کریم تکرار شده است. نور یکی از واژه‌های مهم قرآن کریم است که مفاهیم مهم و کلیدی بسیاری در قرآن (نظیر خداوند) به وسیله آن مفهوم‌سازی شده‌اند. این واژه از یک سو

1 Conceptual mapping

2 O. Jäkel

3 explanatory function

به همان معنای لغوی خود، یعنی نور مادی و حسی، به کار رفته است و از سوی دیگر - به واسطه کاربرد استعاری آن - بر خوانش‌های معنایی مختلفی چون قرآن، ایمان، هدایت و جز آن دلالت دارد. معانی متعدد و مختلف این واژه این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که سازوکار این مفهوم‌سازی‌ها با توجه به نظریه استعاره مفهومی چیست و چگونه می‌توان این کاربردهای استعاری متعدد و در عین حال مرتبط را دسته‌بندی کرد؟

به منظور یافتن پاسخ این پرسش، پس از استخراج آیات قرآن کریم که حاوی واژه نور هستند، جهت تعیین مصداق واژه نور به ده تفسیر مختلف مراجعه شد. این تفاسیر از پنج نوع مختلف قرآنی، عقلی، روایی، عرفانی و ادبی گزینش شدند و از هر کدام از آنها دو تفسیر (یکی متعلق به علمای شیعه و دیگری متعلق به علمای اهل تسنن) انتخاب شد. این تفاسیر عبارت‌اند از: المیزان، تفسیر القرآنی للقرآن، مجمع البیان، التفسیر الکبیر، البرهان، الدر المنثور، بیان السعاده، کشف الأسرار، الکشاف و بحر المحیط.

پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌های درخور توجهی در خصوص کاربرد استعاری واژه نور در قرآن انجام شده است. رازیانی (۱۳۹۳) استعاره مفهومی واژه نور را در قرآن با استفاده از الگوی استعاره مفهومی لیکاف و جانسون بررسی نموده است. وی به این نتیجه رسیده است که استعاره ساختاری «خدا نور است» به عنوان یک کلان استعاره زیربنای سایر استعاره‌های نور قرار گرفته است و میان آنها پیوند برقرار می‌کند؛ به طوری که هر آنچه با خداوند ارتباط مثبت دارد به همان میزان از ماهیتی نورانی برخوردار است. رویتوند غیاثوند (۱۳۹۴) نیز آیه ۳۵ سوره نور را به لحاظ چشم انداز و طرحواره‌های به کار رفته در آن تحلیل نموده است. بنا بر پژوهش ایشان، خداوند در قسمت اول آیه، ذهنی‌سازی شده و حضور تام اکمل دارد. اما وقتی عملکرد خود را با مثال قابل فهم بشر (مشکات) نشان می‌دهد، خارج از صحنه شده و به صورت مستقل عینی‌سازی می‌شود و پردازشی جدید به وجود می‌آورد. حجازی (۱۳۹۵) آیه ۳۵ سوره نور را به عنوان یک کلان استعاره مفهومی بررسی کرده است. او معادل‌های نور در قرآن را بصیرت، هدایت، علم و رحمت و معادل‌های آن در احادیث را قرآن و وحی، علم، هدایت، ائمه اطهار و حقیقت محمدی برمی‌شمارد. حجازی آیه نور را به صورت یک طرحواره شبکه‌ای ترسیم کرده است که دارای نگاشتی دوسطحی است. در نگاشت سطح اول کلان استعاره «الله نور است» و در نگاشت سطح دوم کلان استعاره تابع «پیامبر، ائمه اطهار و مؤمنین به مثابه نور» قرار دارد.

علاوه بر آن، برخی پژوهشگران از چشم‌اندازهای مختلفی مفهوم واژه نور در قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند. افشار کرمانی (۱۳۸۳) به تحلیل مفهوم واژه نور از منظر آیات و روایات پرداخته است. وی به این نتیجه می‌رسد که نور در متون دینی بر طیفی از موجودات دلالت دارد. در یک سوی این طیف، نور حسی و در طرف دیگر آن ذات خداوندی قرار دارد و در میان این دو علم، ایمان، هدایت، امام، پیامبر، عقل و غیره قرار دارند. طیار (۱۳۹۳) به واکاوی مفهوم نور در حکمت سهروردی و قرآن پرداخته است. وی بیان می‌کند که از نظر قرآن تنها نور حقیقی خداوند است که به تنهایی ظاهر و آشکار است و موجودات دیگر به واسطه او نورانی می‌شوند؛ طیار در بیان تفاوت این دو دیدگاه تصریح می‌کند که در قرآن مصادیق متعددی برای نور ذکر شده، در حالی که در فلسفه سهروردی نور معادل با «موجود» است و والاترین موجود همان نورالانوار است که در رأس سلسله وجود قرار می‌گیرد. علمی سولا و رسولی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی ماهیت نور از منظر فلسفه اسلامی، مفسران قرآن و فیزیک جدید پرداخته‌اند. در بخش بررسی تفسیری، تعریف نور در تفسیر ابن عربی و تفسیر المیزان ارائه شده است. ابن عربی در خصوص دلیل نور آسمان و زمین بودن خداوند بیان می‌کند که خداوند وجود مطلق است که به وسیله او آنچه از موجودات وجود دارند، موجود شده‌اند. طبق آنچه در تفسیر المیزان آمده، خداوند دارای دو نوع نور است: نور عام که با آن آسمان‌ها و زمین روشن شده که این ظهور اشیاء به وسیله نور الهی عین وجود آنهاست؛ و نور خاص، که نور معرفت است و تنها مختص مؤمنان است. محمودیان (۱۳۹۵) روابط معنایی واژه‌های حوزه معنایی نور و نار در قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که واژه‌های نور و نار از یک اصل و ریشه‌اند و اکثراً ملازم یک‌دیگر هستند؛ با این تفاوت که کاربرد واژه نار برای امور دنیوی است اما نور برای امور اخروی و هدایت به کار می‌رود.

مسئله تقابل معنای نور و ظلمت در قرآن کریم نیز از جمله موضوعاتی است که مورد توجه پژوهشگرانی چون ساجدی (۱۳۸۵)، براد (۲۰۰۶)، گلمکانی (۱۳۸۹)، سلوکی (۱۳۹۳)، جدی (۱۳۹۵) قرار گرفته است. وجه مشترک این پژوهش‌ها آن است که واژه نور برای اشاره به امور خیر (و در رأس آن خداوند) و واژه ظلمت برای اشاره به امور شر استفاده شده است.

در پژوهش حاضر سعی شده است تا با تکیه بر آرای مفسران و با استفاده از الگوهای نوین مشتق شده از نظریه استعاره مفهومی، نمایی کامل‌تر و نظام‌مندتر از کاربرد استعاره واژه نور در قرآن ارائه شود.

چارچوب نظری

در کتاب‌های لغت عربی، برخی از لغویان واژه‌های ضیاء^۱ یا ضوء^۲ (به معنای روشنایی) را مترادف واژه نور دانسته و جمع آن را أنوار و نیران ذکر کرده‌اند. آنها نور را به صورت «روشنایی به هر صورتی که باشد و شعاع آن»، یا «روشنایی و آن خلاف تاریکی است» تعریف کرده‌اند که به نور مادی و محسوس اشاره می‌کند. ابن فارس در معجم مقاییس اللغة بیان می‌کند که سه حرف اصلی نون، واو و راء به روشنایی و اضطراب و کم‌ثباتی و حرکت سریع اشاره داشته و دو واژه نور و نار از آن گرفته شده است (ابن فارس، ۳۶۸/۵)

اما تعریف راغب در مفردات الفاظ قرآن نور اخروی و نور غیر محسوس (به تعبیر او نور معقول) را نیز شامل می‌شود. وی می‌نویسد که نور روشنایی منتشر شده‌ای است که به دیدگان و بینایی کمک می‌کند و بر دو گونه است: نور دنیایی و نور اخروی. راغب نور دنیایی را نیز به دو دسته تقسیم می‌کند: اول نور معقول که به چشم دل و بصیرت کمک می‌کند؛ مثل نور عقل و نور قرآن و دوم، نور محسوس که به دیدن چشم ظاهر کمک می‌کند و از اجسام نورانی منتشر می‌شود؛ مثل نور خورشید، ستارگان و دیگر اجسام نورانی. (راغب اصفهانی، ۴۰۶/۴)

ابن اثیر در النهاية فی غریب الحدیث والأثر (۱۲۴/۵) عنوان می‌کند که «نور از اسمای خدای تعالی است و او کسی است که به نور او نابینا بینا می‌گردد و گمراه به هدایت او ارشاد می‌شود؛ نیز گفته شده که خداوند آشکاری است که همه چیز با آن آشکار می‌شود. پس آنچه فی نفسه آشکار است و آشکارکننده غیر خود است نور نام دارد.»^۳ این جمله آخر را می‌توان تعریف جامعی برای واژه نور محسوب کرد؛ زیرا هرگونه نوری، اعم از نور دنیوی و اخروی و نور محسوس و معقول را شامل می‌شود.

نظریه استعاره مفهومی^۴

یکی از مشخصه‌های مهم معنی‌شناسی شناختی، نقش محوری استعاره در زبان و تفکر است. نظریه استعاره مفهومی توسط لیکاف و همکارانش (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰، ۱۹۹۹؛ لیکاف ۱۹۸۷، ۱۹۹۳؛ جانسون ۱۹۸۷؛ لیکاف و ترنر ۱۹۸۹) مطرح شد. (Saeed, 371) لیکاف و جانسون در اثر خود با عنوان

۱ جوهری در الصحاح (۸۳۸/۲)، فراهیدی در کتاب العین (۲۷۵/۸) واژه ضیاء را به عنوان مترادف نور ذکر کرده‌اند.

۲ مرتضی زبیدی در تاج العروس (۵۶۳/۷)، فیروزآبادی در القاموس المحیط (۲۴۴/۲) نور را «الضوء ایاکان و شعاعه» دانسته‌اند و «الضوء هو خلاف الظلمه» تعریفی است که فیومی در المصباح المنیر (۶۲۹/۲) به آن اشاره کرده است.

۳ تعریف نور به صورت «الظاهر فی نفسه المظهر لغیره» در دو معجم لفظی تاج العروس زبیدی (۵۶۸/۷) و لسان العرب ابن منظور (۲۴۰/۵) نیز نقل شده است.

«استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم»^۱ (۱۹۸۰) شواهدی از عبارات‌های زبانی رایج روزمره ارائه دادند که نشان می‌داد بین حوزه‌های مفهومی موجود در ذهن بشر روابط استعاری یا نگاشت برقرار است. (Croft & Cruse, 194)

استعاره‌های مفهومی متشکل از مجموعه‌هایی از تناظرها یا نگاشت‌های منظم میان دو حوزه تجربه هستند و معنی هر عبارت استعاری خاص که در یک استعاره مفهومی زیربنایی محقق شده، بر همین تناظرها مبتنی است. (کوچش، ۸) نظریه استعاره مفهومی بر سه قضیه اصلی استوار است: نخست این که استعاره پدیده‌ای شناختی بوده و صرفاً واژگانی نیست؛ بنابراین استعاره را باید مفهومی زیربنایی فرض کرد که به نوع اندیشیدن ما شکل می‌بخشد. قضیه دوم این که استعاره را باید در قالب نگاشت یک حوزه بر حوزه دیگر تحلیل کرد؛ یعنی استعاره‌ها قلمرو مقصد را بر حسب واژه‌های قلمرو مبدأ مفهوم‌سازی می‌کنند. قلمرو مبدأ مطابق با «مستعارمنه»^۲ و قلمرو مقصد همان «مستعارله»^۳ است. سومین رکن نظریه استعاره مفهومی این است که استعاره‌ها مبتنی بر تجربه‌اند و زبان بر پایه تجربه‌های انسان شکل می‌گیرد. (گیررتس، ۴۱۷-۴۲۴) به گفته لیکاف و جانسون (۱۹۸۰, *Metaphors we live by*) ما نه تنها مفهومی را از طریق مفهوم دیگری درک می‌کنیم، بلکه مفاهیم ذهنی و غیر ملموس را نیز در قالب مفاهیمی درمی‌یابیم که برایمان ملموس تر هستند.

کلان‌استعاره^۴

پس از معرفی استعاره مفهومی توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و استعاره تصویری^۵ توسط لیکاف و ترنر (۱۹۸۹)، کوچش^۶ (۲۰۰۲) مفهوم کلان‌استعاره را در حوزه معنی‌شناسی شناختی مطرح کرد. کوچش (۵۱) بیان می‌کند که برخی استعاره‌های رایج یا بدیع بدون آن که باز نمود صوری داشته باشند و به سطح متن بیایند در سراسر متون ادبی حضور دارند. در سطح برخی متون ادبی تنها خرده‌استعاره‌هایی^۷ خاص دیده می‌شوند، اما در پس آنها کلان‌استعاره‌ای نهفته است که موجب انسجام و پیوستگی بین این

1 Metaphors we live by

2 vehicle

3 tenor

4 megametaphor

5 image metaphor

6 Z. Kövecses

7 micrometaphors

خرده‌استعاره‌ها می‌شود. کوچش خاطر نشان می‌کند که کلان‌استعاره همان استعاره گسترده^۱ است که در طی بررسی استعاره‌های موجود در یک اثر ادبی توسط پل ورث^۲ مطرح شده است.

افراشی و حسامی (۱۴۸-۱۴۹) نمونه‌ای از کلان‌استعاره را از داستان کوتاه «دستور فارسی مرگ» اثر مندنی‌پور بیان کرده‌اند؛ جایی که شخصیت‌های قصه فعل‌های زبان هستند:

«... در همین دوران شاید ماضی التزامی گفته باشد به فرنگیس که لابد از یک سمتی باید اومده باشه.»

«و مضارع نعره می‌کشد: نگشید! وای... وای... ای نکشید. و هیچ‌کس نفیر او را نمی‌شنود... که ماضی

بعید به یاد آورده بود: که ما کاتبان چنین نوشته بودیم...»

خرده‌استعاره‌های بالا که نوعی شخصیت‌بخشی به فعل‌های زبان است، مستلزم قائل شدن به کلان‌استعاره «فعل به مثابه موجود زنده» است. این کلان‌استعاره در متن بازنمود صوری ندارد، اما به خرده‌استعاره‌های موجود در متن انسجام می‌بخشد.

استعاره زنجیری

استعاره زنجیری نخستین بار توسط روئیز د مندوزا^۳ و گالرا^۴ (۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴) معرفی شد. آنها این نوع استعاره ترکیبی را به عنوان نوعی استعاره مرکب^۵ معرفی کردند. طبق تعریف روئیز د مندوزا و گالرا^۶ (*Metaphoric and metonymic complexes in phrasal verb interpretation*) استعاره زنجیری ادغام کامل بین حوزه‌های مبدأ و مقصد رخ نمی‌دهد، بلکه دو استعاره در یک حوزه مفهومی مشترک هستند. به عبارت دیگر، دو استعاره طوری به هم زنجیر شده‌اند که حوزه مقصد یک استعاره، حوزه مبدأ استعاره بعدی است. روئیز د مندوزا و گالرا^۶ (*Going beyond metaphonymy*) عبارت فعلی جدا شدن^۱ را به عنوان مثالی برای استعاره زنجیری مطرح کرده‌اند. معنای تحت‌اللفظی این فعل، یعنی «شکستن و دو تکه شدن یک شیء» حوزه مبدأ استعاره اول است که روی مفهوم «جدا شدن فیزیکی دو فرد از یک‌دیگر» نگاشت می‌شود. این مفهوم، در استعاره زنجیر شده بعدی نقش حوزه مبدأ را دارد که روی مفهوم «جدایی عاطفی دو فرد از یک‌دیگر» نگاشت می‌شود.

1 extended metaphor

2 Paul Werth

3 F.J. Ruiz de Mendoza

4 A. Galera-Masegosa

5 complex metaphor

6 break away



شکل ۱: استعاره زنجیری استنباط شده از عبارت فعلی «جدا شدن» (*break away*) همان گونه که در شکل (۱) می بینیم، دو استعاره بر اساس یک وجه شبه واحد (جدا شدن) به هم زنجیر شده اند، بنابراین استعاره زنجیری تک وجهی^۱ نام گرفته اند.

اما نوع دیگری از استعاره های زنجیری نیز معرفی شده اند که وجه شبه دو استعاره زنجیر شده با هم متفاوت - اما مرتبط - هستند و از این جهت استعاره زنجیری دو وجهی نام گرفته اند. استعاره زنجیری دو وجهی^۲ عبارت است از ترکیب دو استعاره که در آن حوزه مقصد استعاره اول، حوزه مبدأ استعاره دوم است؛ به طوری که دو استعاره دو تصویر مرتبط با هم را در ذهن تداعی می کنند که به یک مفهوم سازی چندوجهی می انجامد. (Navidi-Baghi, Izanloo, Qaemini & Azad, ۲۰۲۱) برای مثال در جمله «نویسندگان دینی شیرینی کلام اهل بیت (ع) را منتقل کنند»^۳، جدایی و دلپذیر بودن کلام اهل بیت (ع) به شیرینی تعبیر شده است و استعاره «دلپذیری به مثابه شیرینی» به عنوان استعاره اصلی از آن استنباط می شود. علاوه بر آن، با کاربرد فعل منتقل کردن در می یابیم که استعاره مکنیه دیگری نیز در جمله وجود دارد که در آن شیرینی، که یک طعم است، به عنوان شینی در نظر گرفته شده که قابل انتقال است؛ بنابراین استعاره دیگری با عنوان «شیرینی به مثابه شیء» نیز از جمله استنباط می شود. ساختار این استعاره زنجیری را می توان به صورت شکل (۲) ترسیم کرد. (نویدی باغی و دیگران، ۱۴۰۰)



شکل ۲: استعاره زنجیری در جمله «نویسندگان دینی شیرینی کلام اهل بیت (ع) را منتقل کنند»

1 single-ground metaphoric chain

2 double-ground metaphoric chain

بنابراین، در استعاره زنجیری دووجهی حوزه مبدأ دیگری (شیء) در قالب یک استعاره مکتبه به کار گرفته می شود تا مفهوم حوزه مبدأ استعاره اول (شیرینی) را غنی سازی کند؛ ما آن استعاره اول را استعاره اصلی و استعاره مکتبه غنی ساز را استعاره پشتیبان می نامیم. به علاوه، از آن جا که مفهوم سازی در استعاره زنجیری دووجهی بیش از یک وجه داشته و از جنبه های مختلفی صورت می پذیرد، مفهوم سازی چندوجهی نامیده شده است. (Navidi-baghi, et. al. ۲۰۲۱) به عبارت دقیق تر، در مفهوم سازی چندسویه^۱ با بیش از یک مفهوم سازی سروکار داریم که هر یک جنبه ای از مفهوم مقصد مورد نظر را توصیف می کند و در واقع، در فرایند مفهوم سازی مکمل یک دیگر هستند.

روش شناسی

این پژوهش کیفی، از نظر ماهیت و روش، در گروه پژوهش های توصیفی-تحلیلی قرار می گیرد. برای بررسی معنای واژه نور در قرآن، به آشنایی با آرای مفسران و بهره گیری از انواع تفاسیر و روش های تفسیری نیاز بود. به این منظور، پنج روش تفسیری قرآن به قرآن، عقلی، روایی، عرفانی و ادبی مد نظر قرار گرفت و از هر یک از این روش های تفسیری، دو تفسیر یکی متعلق به علمای شیعه و دیگری متعلق به علمای اهل سنت انتخاب شد. به این ترتیب، در مجموع ۱۰ تفسیر مورد بررسی قرار گرفت. هدف از انتخاب تفاسیر از پنج روش تفسیری مختلف و از دو مذهب شیعه و سنی آن است که بدون سوگیری و با در نظر گرفتن انواع آرای مختلف در خصوص مصداق واژه نور به مجموعه ای واحد (کلان استعاره ها) دست یابیم که مورد اجماع اکثر مفسران است. در این بررسی سعی شده است که حتی المقدور به آرای خود مفسر اکتفا شود و مصداق هایی که مفسر پس از واژه «قیل» یا «گفته شده» مطرح نموده در نظر گرفته نشود.

تحلیل داده ها

واژه نور ۴۳ مرتبه در ۳۳ آیه قرآن تکرار شده است. از این تعداد، در ۲۷ مورد به صورت معرفه و در ۱۶ مورد به صورت نکره (نوراً، نور، نور) به کار رفته است. مواردی که نور به صورت معرفه به کار رفته عبارت اند از: در چهار مورد به عنوان مضافی که مضاف الیه آن یک اسم است؛ در ۱۰ مورد به عنوان مضاف برای مضاف الیهی که یک ضمیر متصل است (نوره، نورهم، نورنا، نورکم) و در ۱۳ مورد با الف و لام معرفه و به صورت «النور» به کار رفته است.

در قرآن کریم، واژه نور عمدتاً کاربردی استعاری داشته و به نور غیرمادی و غیرمحسوس اشاره دارد و تنها در موارد اندکی مصداق آن نور مادی و محسوس است. فهرست آیاتی که حاوی واژه نور هستند در ادامه آمده است^۱: نور: ۳۵، ۴۰؛ زمر: ۲۲، ۶۹؛ بقره: ۱۷، ۲۷۵؛ ابراهیم: ۱، ۵؛ حدید: ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۸؛ احزاب: ۴۳؛ طلاق: ۱۱، مانده: ۱۵، ۱۶، ۴۴، ۴۶؛ رعد: ۱۶؛ فاطر: ۲۰؛ تغابن: ۸؛ اعراف: ۱۵۷؛ شوری: ۵۲؛ نساء: ۱۷۴؛ انعام: ۱، ۹۱، ۱۲۲؛ توبه: ۳۲؛ صف: ۸؛ تحریم: ۸؛ نوح: ۱۶؛ یونس: ۵.

از ۴۳ واژه نور به کار رفته در قرآن، تنها در سه مورد نور در معنای لغوی و لفظی خود به کار رفته و به نور محسوس و مادی اشاره دارد؛ در ۴۰ مورد دیگر، این واژه به صورت استعاری به کار رفته و مقصود از آن نور معنوی و غیرمحسوس است. برای بررسی دقیق‌تر معنای نور در قرآن، لازم است به آرای صاحب‌نظران در این حوزه مراجعه شود. از این رو، مصداق‌های ذکر شده توسط مفسران مورد مطالعه قرار گرفت که در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: مصداق‌های ذکر شده در تفاسیر دهگانه برای واژه نور در آیات قرآن^۲

نوع تفسیر	کتاب تفسیر	مصداق‌های ذکر شده برای نور در آیات قرآن
قرآن به قرآن	المیزان (ترجمه)	خداوند (ج ۱۵، ص ۱۸۵)؛ حقیقت ایمان، ایمان و معرفت (نور مختص مؤمنین) (ج ۱۵، ص ۱۷۰)؛ نور روز قیامت (ج ۱۷، ص ۴۴۷)؛ هدایت (ج ۲، ص ۵۲۸)؛ ایمان/علم (ج ۱۲، ص ۶ و ۱۳۲)؛ ایمان به حق (ج ۱۱، ص ۴۴۴)؛ مؤمن (در مقابل کافر) (ج ۱۷، ص ۵۰)؛ قرآن (ج ۱۹، ص ۵۰۳)؛ روح (ج ۱۸، ص ۱۱۴)؛ احکام و معارف موجود در تورات (ج ۵، ص ۵۶۰)؛ احکام و شرایع انجیل (ج ۵، صص ۵۶۶-۵۶۷)؛ نبوت پیامبر اکرم (ص) (ج ۹، ص ۳۲۸)؛ هدایت و دین حق (ج ۱۹، ص ۴۳۱)؛ ایمان و عمل صالح (ج ۱۹، ص ۵۶۵)؛ نور اخروی (به سبب ایمان و عمل صالح) (ج ۱۹، ص ۲۷۴)؛ حقیقت ایمان (ج ۱۵، ص ۱۷۱)؛ علم ناشی از ایمان (ج ۷، ص ۴۶۷)؛ بهره تظاهر به ایمان (ج ۱، ص ۸۸)؛ نور مادی و حسی (ج ۷، ص ۵)؛ نور ماه (ج ۱۷،

۱ در تفاسیر دهگانه بررسی شده، مصداق‌های مختلفی برای واژه نور بیان شده است. در این بخش، آیات براساس مصداق‌هایی که بیش از همه بر آنها تأکید شده دسته‌بندی شده‌اند.

۲ تفصیل این آراء را نک: نویدی باغی، «تحلیل مفهومی واژه نور در قرآن»، بیوست (۱)

<p>ص ۵۶۰؛ ج ۱۰، ص ۱۳)</p> <p>خداوند (ج ۹، ص ۱۲۸۱)؛ هدایت (ج ۹، صص ۵-۱۲۸۳)؛ نور تجلی حق (ج ۱۲، ص ۱۱۹۴)؛ ایمان/حق (ج ۲، ص ۳۲۱)؛ هدایت/ایمان (ج ۷، ص ۱۵۱)؛ قرآن (ج ۱۴، ص ۹۸۰)؛ احکام شریعت موجود در تورات (ج ۳، ص ۱۱۰۳)؛ (آیات و کلمات) انجیل (ج ۳، ص ۱۱۰۷)؛ دین اسلام (ج ۵، صص ۷۴۴-۷۴۵)؛ اعمال صالح (ج ۱۴، ص ۱۰۳۴)؛ حقیقت (ج ۱۲، ص ۱۱۴۲)؛ نور مادی (ج ۴، ص ۱۲۴)؛ نور ماه (ج ۱۵، ص ۱۱۹۹)؛ ج ۶، ص ۹۵۹)</p>	<p>تفسیرالقرآنی للقرآن</p>	
<p>هدایت کننده، روشن کننده، زینت بخش، منبع هر نفع و احسان و انعامی (ترجمه: ج ۱۷، ص ۱۳۷-۸)؛ پیامبر اکرم (ص) (ترجمه: ج ۱۷، ص ۱۴۰)؛ پیامبران/امامان (ترجمه: ج ۱۷، ص ۱۴۲)؛ دین و ایمان (ترجمه: ج ۱۷، ص ۱۴۲)؛ عدل (ج ۸، ص ۷۹۲)؛ هدایت (ج ۳، صص ۱۱۶-۱۱۷)؛ ایمان (ج ۱۳، ص ۹۸)؛ معرفت (ج ۲۰، ص ۱۳۸)؛ علم (ج ۲۵، ص ۱۱۷)؛ قرآن (ج ۲۵، ص ۶۸)؛ پیامبر اکرم (ص) (ج ۶، ص ۲۵۴)؛ ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) (ج ۶، ص ۱۷۱)؛ احکام تورات (ج ۷، ص ۴۸)؛ احکام انجیل (ج ۷، ص ۵۷)؛ تورات (ج ۸، ص ۱۸۰)؛ اسلام (ترجمه: ج ۱۱، ص ۷۴)؛ کلام خدا (ترجمه: ج ۲۴، ص ۴۰۱)؛ امامان و پیشوایان مؤمنان (ترجمه: ج ۲۵، ص ۱۵۲)؛ طاعت (ترجمه: ج ۲۵، ص ۱۵۳)؛ نور اخروی به واسطه اعمال صالح (ج ۲۴، ص ۲۱۸)؛ عبادت (ترجمه: ج ۲۴، صص ۲۰-۲۱۹)؛ رهبر و راهنما (ترجمه: ج ۲۴، ص ۲۵۲)؛ علم و حکمت (ترجمه: ج ۸، ص ۲۵۶)؛ وسعت نظر (ترجمه: ج ۱، ص ۶۹)؛ بهره تظاهر به ایمان (ترجمه: ج ۱، ص ۸۱)؛ روز/بهشت (ترجمه: ج ۸، ص ۷)؛ نور ماه (ترجمه: ج ۲۵، ص ۳۴۵؛ ج ۱۱، ص ۲۵۹)</p>	<p>مجمع البیان</p>	<p>عقلی</p>
<p>خداوند، هدایت کننده (ج ۲۲، ص ۳۷)؛ ج ۲۳، ص ۳۷۹ و ۳۸۴)؛ معرفت (ج ۲۲، ص ۳۷)؛ ج ۲۳، صص ۷-۳۸۶)؛ انبیاء (ج ۲۲، ص ۳۷)؛ علم و عمل (همان، ص ۳۸۸)؛ عدل (ج ۲۲، ص ۳۷)؛ ایمان (ج ۷، ص ۱۹)؛ ایمان/هدایت (ج ۱۹، ص ۵۸)؛ یقین/علم (ج ۳۰، ص ۵۶۵)؛ عالم (ج ۲، ص ۴۰۰)؛ قرآن (ج ۲۳، ص ۳۸۳)؛ پیامبر اکرم (ص)/اسلام (ج ۱۱،</p>	<p>التفسیر الکبیر</p>	

<p>ص ۳۲۷)؛ تورات (ج ۲، ص ۲۶۴)؛ انجیل (ج ۲، ص ۲۶۴)؛ اعمال صالح (ج ۳۰، ص ۵۷۳)؛ نور اخروی به سبب کسب معارف الهی/اخلاق فاضله (ج ۲۹، ص ۴۵۸)؛ معرفت و هدایت (ج ۱۳، ص ۱۳۴)؛ راه نجات/نور خدا (ج ۱۷، ص ۱۴۸)؛ شرح صدر (ج ۲۲، ص ۳۷)؛ نور اظهار زبانی ایمان/بهره اندک منافقین از ابراز زبانی اسلام (ج ۲، ص ۳۱۲)؛ روز (ج ۷، ص ۱۹)؛ نور ماه (ج ۲، ص ۳۳۹)؛ ج ۱۳، ص ۷۸</p>		
<p>خداوند، هدایت کننده، هدایت، حضرت محمد(ص)، هدایت خدا در قلب مؤمن، امام(انمه) (ترجمه: ج ۴، صص ۶۶-۷۱)؛ امام (ج ۴، ص ۷۳۳)؛ توبه و مغفرت/اسلام (ج ۱، ص ۵۲۲)؛ ایمان (ج ۳، ص ۲۸۵)؛ ولایت حضرت علی(ع) (ج ۵، ص ۲۸۲)؛ امیرالمؤمنین علی(ع) (ج ۴، ص ۵۴۴)؛ انمه(ع) (ج ۵، ص ۳۹۶)؛ پیامبر اکرم(ص) (ج ۲، ص ۲۶۴)؛ قرآن (ج ۱، ص ۱۰)؛ ولایت امیرالمؤمنین(ع) (ج ۵، ص ۹۵)؛ نور اخروی به واسطه ایمان (ج ۵، ص ۲۸۵)؛ نور در پل صراط به سبب ایمان (ج ۹۵، ص ۲۹۳)؛ ولایت انمه(ع) (ج ۲، ص ۴۷۵)؛ نور حسی و مادی (ج ۲، ص ۳۹۹)؛ وصی پیامبر اکرم(ص) (ج ۲، ص ۴۲۵)</p>	<p>البرهان</p>	<p>روایی</p>
<p>مدبّر، هدایت کننده، نور خداوند؛ هدایت خدا در قلب مؤمن، مؤمن، قرآن؛ ایمان و عمل، نور خدا و نور پیامبر(ص) (ج ۵، صص ۴۸-۵۰)؛ هدایت/ایمان (ج ۱، ص ۳۳۰)؛ قرآن (ج ۵، ص ۴۹)؛ تورات (ج ۲، ص ۲۸۵)؛ اسلام/پیامبر اکرم(ص) و اصحابش (ج ۳، ص ۲۳۱)؛ نور اخروی به واسطه اعمال صالح (ج ۶، ص ۱۷۲)؛ قرآن/هدایت (ج ۶، ص ۱۷۸)؛ ایمان زبانی (ج ۱، ص ۳۲)؛ نور حسی/ایمان (ج ۳، ص ۴)؛ نور ماه (ج ۶، ص ۲۶۸)؛ ج ۳، ص ۳۰۰</p>	<p>الدر المنثور</p>	
<p>خداوند صاحب نور، وجود (در مقابل عدم)، بیان کننده، هدایت کننده، مظاهر وجود خدا (ج ۱۰، صص ۸-۳۴۶)؛ هدایت (در قلب مومن) (ج ۱۰، ص ۳۴۸)؛ امام (ج ۱۰، ص ۳۴۶)؛ اسم اعظم/حقیقت رحمت و هدایت... (ج ۶، ص ۱۴۸)؛ ایمان/اسلام/آل محمد(ص)/توبه (ج ۳، صص ۱۰۵-۱۰۶)؛ وحدت (با خدا) (ج ۷، ص ۸)؛ تجرّد/یقین (ج ۱۳، ص ۵۶۴)؛ طاعت/اخلاق نیکو (ج ۱۱، ص ۴۶۷)؛ عالم روح (ج ۴،</p>	<p>بیان السعاده</p>	<p>عرفانی</p>

<p>ص ۳۰۵؛ علم (ج ۱۲، صص ۲-۱۳۱)؛ ولایت حضرت علی (ع)/امام (ج ۱۴، ص ۱۱)؛ کتاب (قرآن)/ایمان/وحی/حضرت علی (ع) (ج ۱۳، صص ۴-۹۳)؛ پیامبر اکرم (ص)/ولایت (ج ۴، ص ۳۰۴)؛ معارف تورات (ج ۴، ص ۳۳۵)؛ احکام شریعت در انجیل (ج ۴، ص ۳۴۰)؛ عالم غیب/عالم ارواح پاک (ج ۱۳، ص ۵۷۰)؛ امامی از اولاد فاطمه (س) (ترجمه: ج ۱۰، ص ۳۷۰)؛ نور حسی (ج ۵، ص ۳)؛ نور ماه (ج ۱۴، ص ۳۱۵)؛ ج ۶، ص ۳۱۱)</p>		
<p>هدایت کننده (ج ۶، ص ۵۳۵)؛ نبی، دین (ج ۲، ص ۷۸۶)؛ نور تجلی حق (ج ۸، ص ۴۴۲)؛ اسلام/معرفت/علم (ج ۱، ص ۷۰۳)؛ دانایی/ایمان (ج ۱، ص ۵۱۴)؛ ایمان/یقین/دانایی (ج ۵، ص ۲۲۶)؛ دانش/پرهیزکاری (ج ۹، ص ۴۷۳)؛ هدایت (ج ۵، ص ۱۶۹)؛ قرآن (ج ۲، ص ۷۸۶)؛ پیامبر اکرم (ص) (ج ۳، ص ۶۹)؛ احکام شریعت موجود در تورات (ج ۲، ص ۷۸۷)؛ اسلام (ج ۴، ص ۱۱۹)؛ کتاب خدا (ج ۱۰، ص ۸۷)؛ نور اخروی به واسطه عمل صالح (ج ۹، ص ۴۸۲)؛ معرفت (ج ۱، ص ۳۰۷)؛ دین و ایمان (ج ۶، ص ۵۴۱)؛ سنت (ج ۱، ص ۳۷)؛ شهادتین زبانی و کسب ایمنی در جامعه مسلمان (ترجمه: ج ۱، صص ۸۵-۸۶)؛ روز (ترجمه: ج ۲، ص ۷۸۶)؛ نور ماه (ج ۹، ص ۴۱۲)؛ ج ۴، ص ۲۵۱)</p>	<p>کشف الاسرار</p>	
<p>حقیقت (ترجمه: ج ۳، صص ۶-۳۵۵)؛ حق و عدل (ج ۴، ص ۱۴۵)؛ ایمان/یقین (ج ۱، ص ۳۰۴)؛ هدایت (ج ۲، ص ۵۳۷)؛ طاعت (ج ۳، ص ۵۴۶)؛ حق (در مقابل باطل) (ج ۳، ص ۶۰۸)؛ قرآن (ج ۲، ص ۱۶۶)؛ وحی (ترجمه: ج ۴، ص ۲۹۵)؛ بیان احکام شریعت (ج ۱، ص ۶۳۶)؛ تورات (ج ۲، ص ۶۱)؛ پیامبر اکرم (ص) (ترجمه: ج ۲، ص ۳۴۶)؛ اسلام/حق (ج ۴، ص ۵۲۵)؛ صورت اخروی عمل صالح (ترجمه: ج ۴، ص ۶۹۶)؛ کارنامه سفید اعمال (ترجمه: ج ۴، ص ۵۷۹)؛ نور اخروی به سبب ایمان (ج ۴، ص ۴۷۵)؛ بصیرت (ترجمه: ج ۲، ص ۸۵)؛ توفیق، محافظت و لطف خدا (ترجمه: ج ۳، ص ۳۶۰)؛ اندک بهره منافقین از ایمان زبانی (ترجمه: ج ۱، ص ۱۰۲)؛ نور مادی (ترجمه: ج ۲، صص ۷-۸)؛ نور ماه (ترجمه: ج ۴، ص ۷۵۸)</p>	<p>الکشاف</p>	<p>ادبی</p>

<p>هدایت‌کننده، مدبّر (ج ۸، صص ۳-۴۲)؛ هدایت و ایمان (ج ۸، ص ۴۴ و ۴۷)؛ نوری که خدا خلق کرده/حق و عدل (ج ۹، ص ۲۲۳)؛ طاعت (ج ۸، ص ۴۸۶)؛ مؤمن (ج ۶، ص ۳۷۱)؛ حق (درمقابل باطل) (ج ۹، ص ۲۵)؛ قرآن (ج ۱۰، ص ۱۹۰)؛ شریعت (ج ۵، ص ۱۹۶)؛ کتاب (قرآن)؛ ایمان (ج ۹، ص ۳۵۲)؛ احکام شریعت در انجیل (ج ۴، ص ۲۷۸)؛ تورات (ج ۴، ص ۵۸۱)؛ نبوت (ج ۵، ص ۴۰۵)؛ اسلام/پیامبر اکرم (ص)/حجت‌های خدا (ج ۱۰، ص ۱۶۶)؛ رضوان (ج ۱۰، ص ۱۰۵)؛ نور اخروی به سبب ایمان (ج ۱۰، ص ۱۰۶)؛ هدایت/کرامت/بشارت (ج ۱۰، ص ۱۰۹)؛ عزت (ناشی از ابراز مسلمانی) (ج ۱، صص ۱۳۰-۱۳۱)؛ نور حسی (ج ۴، ص ۴۲۸)؛ بهشت (ج ۴، ص ۴۲۹)؛ نور ماه (ج ۱۰، ص ۲۸۴)؛ ج ۶، ص ۱۴)</p>	<p>البحرالمحیط</p>
--	--------------------

واژه نور به عنوان حوزه مبدأ استعاره مفهومی

از ۴۳ مورد واژه نور که در قرآن به کار رفته است، تنها سه مورد از آنها به نور مادی و محسوس اشاره دارند و ۴۰ مورد دیگر بر نور معنوی و غیر محسوس دلالت می‌کنند. به عبارت دیگر، در سه مورد معنای لفظی و لغوی واژه نور مدنظر است و در ۴۰ مورد دیگر، واژه نور به صورت استعاری به کار رفته است. در تفسیرهای دهگانه مورد بررسی، مصداق‌های متعددی برای واژه نور ذکر شده است. بسامد این مصداق‌های ذکر شده در آیات و تفاسیر دهگانه، در جدول (۲) آمده است:

جدول ۲: مصداق‌های واژه نور در قرآن بر اساس تفاسیر دهگانه

ردیف	مصداق‌ها ی نور	بسامد در آیات	بسامد در تفاسیر	ردیف	مصداق‌های نور	بسامد در آیات	بسامد در تفاسیر
۱	هدایت	۲۲	۵۸	۳۳	(احکام و معارف انجیل)	۱	۹
۲	ایمان	۱۸	۷۷	۳۴	بهره (اندک) تظاهر به ایمان	۱	۸

۷	۱	هدایت‌کننده	۳۵	۴۹	۱۳	قرآن	۳
۳	۱	عدل	۳۶	۱۱	۸	ولایت امیرالمؤمنه بن علی	۴
۲	۱	کتاب خدا	۳۷	۱۷	۸	اسلام	۵
۲	۱	روح	۳۸	۱۴	۸	امام (از اولاد حضرت زهرا(س))	۶
۲	۱	نبوت (پیامبر(ص))	۳۹	۱۰	۷	معرفت	۷
۱	۱	اسم اعظم	۴۰	۸	۷	حق	۸
۱	۱	اصحاب پیامبراکرم(ص)	۴۱	۸	۷	یقین	۹
۱	۱	بشارت	۴۲	۷	۷	امیرالمؤمنه بن علی(ع)	۱۰
۱	۱	بصیرت	۴۳	۱۷	۶	پیامبر اکرم(ص)	۱۱
۱	۱	تجرّد (از ماده)	۴۴	۹	۶	علم	۱۲
۱	۱	تقوا	۴۵	۶	۶	ولایت	۱۳
۱	۱	توبه و مغفرت	۴۶	۱۵	۴	(صورت اخروی) عمل صالح	۱۴
۱	۱	توفیق	۴۷	۵	۴	نبیّ/ نبوت	۱۵
۱	۱	حجت خدا	۴۸	۴	۴	حقیقت	۱۶

نویدی باغی و دیگران ؛ تحلیل مفهومی واژه نور در قرآن بر پایه الگوهای شناختی استعاره مفهومی و ... / ۴۷

۱	۱	حقیقت ایمان	۴۹	۱۶	۳	(صورت اخروی) ایمان	۱۷
۱	۱	راه نجات	۵۰	۶	۳	علم و دانش/دانا ی	۱۸
۱	۱	رحمت	۵۱	۵	۳	طاعت	۱۹
۱	۱	رضوان	۵۲	۵	۴	دین/شری ت	۲۰
۱	۱	رهبر و راهنما	۵۳	۶	۲	خداوند	۲۱
۱	۱	سنت	۵۴	۴	۲	علم و حکمت	۲۲
۱	۱	شرح صدر	۵۵	۳	۲	بهشت	۲۳
۱	۱	عالم	۵۶	۲	۲	ولایت ائم معصومین (ع)	۲۴
۱	۱	عالم روح	۵۷	۲	۲	اخلاق نیکو	۲۵
۱	۱	عبادت	۵۸	۲	۲	ائم معصومین (ع)	۲۶
۱	۱	علم همراه با عمل	۵۹	۲	۲	لطف خدا	۲۷
۱	۱	کرامت	۶۰	۲	۲	معارف الهی	۲۸

۲۹	مؤمن	۲	۲	۶۱	وحی	۱	۱	
۳۰	وجود	۲	۲	۶۲	وسعت نظر	۱	۱	
۳۱	وحدت با وجود	۲	۲	۶۳	وصی پیامبر اکرم (ص)	۱	۱	
۳۲	(احکام و معارف) تورات	۲	۱۸	مجموع			۲۰۳	۴۵۱

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، تعداد مصداق‌هایی که برای واژه نور ذکر شده در مجموع ۶۳ مورد است.^۱ هر یک از این مصداق‌ها حوزه مقصد یک استعاره مفهومی را تشکیل می‌دهد که با واژه نور که در حوزه مفهومی مبدأ قرار دارد مفهوم‌سازی شده است. این استعاره‌های مفهومی، خود خرده‌استعاره‌هایی هستند که از چندین کلان‌استعاره در سطوح مختلف ناشی شده‌اند. در بخش بعد این کلان‌استعاره‌ها معرفی خواهند شد.

کلان‌استعاره‌های نور در قرآن

با دقت در استعاره‌های مفهومی جدول (۱) می‌توان آنها را در دسته‌های بزرگ‌تری جای داد. برای مثال، نبی، پیامبران، پیامبر اکرم (ص)، ائمه معصومین (ع)، و رهبر و راهنما می‌توانند در مجموعه‌ای با عنوان «انتقال‌دهندگان پیام خدا» قرار بگیرند. هر یک از استعاره‌های مفهومی نور در واقع یک خرده‌استعاره بوده و زیرمجموعه یک کلان‌استعاره محسوب می‌شوند. علاوه بر آن، کلان‌استعاره‌های استنباط شده خود به دسته‌های بزرگ‌تری تقسیم می‌شوند؛ به طوری که می‌توان آنها را در سه سطح دسته‌بندی کرد. کلان‌استعاره کلی‌تر که همه این کلان‌استعاره‌ها را دربرمی‌گیرد عبارت است از «نور معنوی به مثابه نور مادی». فهرست کلان‌استعاره‌ها و خرده‌استعاره‌ها در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳: کلان‌استعاره‌ها و خرده‌استعاره‌های نور در قرآن

۱ از آنجا که برای هر یک از واژه‌های نور به کار رفته در قرآن مصادیق متعددی ذکر شده، تعداد استعاره‌های آن بیش از تعداد تکرار این واژه در قرآن است.

کلان استعاره سطح یک	کلان استعاره سطح دو	کلان استعاره سطح سه	خرده استعاره ها	
نور معنوی نور مادی است	خداوند نور است		خداوند/اسم اعظم/هدایت کننده/ وجود/حق/حقیقت نور است	
	پیام خدا نور است	دین خدا نور است	اسلام/سنت نور است	وحی نور است
		کتاب/کلام خدا نور است	قرآن/احکام و معارف موجود در تورات و انجیل نور است	روح نور است
			پیامبر اکرم (ص) نور است	امیرالمؤمنین علی (ع) / ائمه معصومین نور هستند
	انتقال دهنده پیام نور است	نبی نور است	امام / وصی پیامبر (ص) نور است	هدایت نور است
		لطف خدا نور است	رحمت/توفیق/کرامت/راه نجات نور است	علم و حکمت/معارف الهی/ بصیرت و دانایی/شرح صدر نور است
			پذیرنده پیام خدا نور است	اصحاب پیامبر اکرم (ص) / مؤمن / عالم نور است
	نتیجه پذیرش پیام خدا نور است	عمل صالح نور است	علم همراه با عمل / طاعت/عبادت/ تقوا/اخلاق نیکو/توبه نور است	زبانی نور است
		پاداش مؤمنان نور	وسعت نظر/ معرفت/یقین نور است	عدل/صورت اخروی ایمان و عمل

صالح / مغفرت / رضوان / بشارت / تجرّد از ماده نور است	است	
عالم روح / بهشت / وحدت با وجود نور است	جایگاه نزدیک به خدا نور است	

واژه نور به عنوان حوزه مقصد

در بیشتر آیات قرآن مفهوم نور به عنوان حوزه مبدایی که یک حوزه مفهومی انتزاعی تر را مفهوم سازی می کند به کار رفته است. اما در موارد اندکی نیز نور حوزه مقصدی است که توسط یک حوزه مبدأ ملموس تر مفهوم سازی شده است. در همه این موارد، مفهوم سازی نور از طریق یک استعاره مکتبی صورت گرفته است؛ یعنی برخلاف استعاره مصرّحه که در آن مستعار منته (مفهوم حوزه مبدأ) ذکر می شود و مستعار له (مفهوم حوزه مقصد) غایب است، در استعاره مکتبه اثری از مستعار منته در جمله نیست، بلکه کاربرد یک فعل، حرف اضافه یا دیگر اقسام واژه ها که بر مستعار منته دلالت دارد، سبب می شود که مفهوم آن در ذهن متبادر شود. فهرست استعاره های مفهومی که در آنها نور به عنوان مفهوم حوزه مقصد به کار رفته است در جدول (۴) آمده است:

جدول ۴: واژه نور در قرآن به عنوان حوزه مقصد استعاره مفهومی

ردیف	آیه	حوزه مبدأ	حوزه مقصد	استعاره مفهومی
۱	... نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ... (نور: ۳۵)	شیء مسطح	نور	نور شیء مسطح است
۲	... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ... (بقره: ۲۵۷)	ظرف	نور	نور ظرف است
۳	يَا أَهْلَ الْكِتَابِ... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (مائده: ۱۵)	انسان	نور	نور انسان است
۴	... وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ			

۱ تفسیرهای دهگانه مصداق های متعددی را برای نور در این آیه ذکر کرده اند: قرآن، پیامبر اکرم (ص)، اسلام، امیرالمؤمنین علی (ع)، ولایت، حضرت موسی (ع) و تورات. با توجه به این که این واژه به کتاب عطف شده است، اکثر مفسران مصداق آن را قرآن دانسته اند. در صورتی که مصداق نور انسان نباشد، پلیده شخصیت بخشی رخ داده است و استعاره مکتبه «نور انسان است» از آن برداشت می شود.

			وَيَأْتِيَانِهِمْ... (تحریم: ۸) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ (حدید: ۱۲)	
نور شعله است	نور	شعله (شمع یا چراغ)	يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ... (توبه: ۳۲) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ... (صف: ۸)	۵
نور شیء است	نور	شیء	قِيلَ ازْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا... (حدید: ۱۳)	۶
نور مرکب است	نور	مرکب	أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ... (زمر: ۲۲)	۷

در استعاره اول (نوری بر فراز نوری) واژه نور با طرحواره تصویری سطح مفهوم‌سازی شده است. در تفسیر المیزان ذیل این فراز از آیه گفته شده که مقصود از نور زجاجه، نوری است عظیم بالای نور عظیمی دیگر، یعنی نوری در کمال درخشش. اما در تفسیر الکشاف (۲۴۱/۳) آمده است که منظور دوچندان بودن شدت نور است، نه تعدد آن. یعنی مقصود این نیست که نور معین یا غیر معینی است بالای نوری دیگر نظیر آن، نیز مراد این نیست که آن نور مجمع دو نور است، بلکه منظور دوچندان بودن نور است. (طباطبایی، ۱۷۳/۱۵) از منظر معناشناسی شناختی هر دو تفسیر درست است؛ با این تفاوت که تفسیر اول معنی عبارت مذکور را با همان طرحواره تصویری بیان شده در آیه بیان نموده است و تفسیر دوم، این طرحواره تصویری را ترجمه کرده و مقصود از آن را بیان کرده است. در واقع طبق نظر لیکاف و جانسون (۱۹۹۹) همبستگی میان حوزه کمیت و حوزه امتداد قائم (مانند گذاشتن کتاب‌ها روی هم و زیاد شدن ارتفاع آنها به‌طور هم‌زمان) موجب شکل‌گیری طرحواره تصویری «بیشتر بالا است» شده است. بنابراین، مقصود از نوری بر فراز نوری افزایش مقدار نور چراغ به واسطه وجود زجاجه است.

در استعاره دوم، به‌کارگیری حرف اضافه «فی» برای مفهوم نور، نشان‌دهنده طرحواره تصویری ظرف است. به بیان دیگر، نور به سان ظرفی مفهوم‌سازی شده است که شخص مؤمن، به عنوان مظروف، در آن وارد می‌شود. در سومین استعاره، با به‌کارگیری فعل «جاء» که برای افراد جاندار که قدرت حرکت دارند به

کار می‌رود، استعاره مکنیه‌ای شکل گرفته است. در این استعاره قرآن به انسانی مانند شده است که از سوی خدا به سوی انسان‌ها آمده است. این پدیده همان صنعت تشخیص یا شخصیت‌بخشی^۱ است. در استعاره شماره چهار، وجود عبارت «يُطْفِئُوا... بِأَفْوَاهِهِمْ» (با دهان‌هاشان خاموش کنند)، یادآور خاموش کردن شعله شمع یا چراغ با دمیدن در آن است؛ در حالی که نور چیزی نیست که با دمیدن خاموش شود. بر این اساس، این نتیجه حاصل می‌شود که به‌کارگیری مفهوم إطفاء از استعاره مکنیه‌ای ناشی شده است که در آن، نور به شعله شمع یا چراغ تشبیه شده است. در پنجمین استعاره مکنیه، فعل يَسْعَى که از سَعَى به معنی «شتافتن، تند رفتن و حرکت کردن» (آذرنوش، ۲۸۸) است، مشتق شده است. در اینجا نوری که در آن روز به مؤمن عطا می‌شود به کسی مانند شده که از سمت راست و از پیش روی او می‌دود و او را همراهی می‌کند. در مقابل، در استعاره ششم، فعل «إِلْتَمَسُوا» از واژه «تَلَمَّسَ» به معنای «در تاریکی در پی چیزی گشتن، کورمالی کردن، لمس کردن» (همان، ۶۲۶) مشتق شده است. در این آیه، نور به شیئی تشبیه شده که شخص کافر باید کورمال کورمال و در تاریکی آن را جست‌وجو کند. در استعاره هفتم، حضور حرف اضافه «عَلَى» بر استعاره مکنیه‌ای دلالت دارد که در آن شخص مؤمن، که خداوند به او شرح صدر عطا فرموده، چون سواره‌ای بر مرکب راهوار (یعنی نور) ره می‌پیماید، یا چونان کسی که بر بلندایی ایستاده و به پیرامون خود اشراف تام دارد.

واژه نور و استعاره زنجیری دوجهی

همان‌طور که در بخش قبل دیدیم واژه نور در قرآن عمدتاً به عنوان حوزه مبدأ (جدول ۲) به کار رفته است؛ اما در برخی از آیات این واژه در قالب یک استعاره مکنیه دیگر، در جایگاه حوزه مقصد (جدول ۴) نیز قرار می‌گیرد. بنابراین ما با یک زنجیره استعاری مواجهیم که در آن، دو استعاره در یک حوزه مفهومی مشترک هستند. برای نمونه، به آیه ۲۲ سوره زمر دقت کنید:

«أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي صَلَالٍ مُّبِينٍ»

آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده کرده و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلانی است که نور هدایت به قلب‌شان راه نیافته) وای بر آنها که قلب‌هایی سخت در برابر ذکر خدا دارند، آنها در گمراهی آشکاراند.

از بافت آیه و با توجه به تفسیرهای دهگانه بررسی شده، یکی از مصادیق واژه نور در «فَهُوَ عَلَي نُّورٍ مِّن رَّبِّهِ»، مفهوم «هدایت» است؛ بنابراین، استعاره «هدایت به مثابه نور» از آن قابل استنباط است. همان‌گونه که نور با روشن کردن محیط اطراف و اجسام باعث می‌شود نسبت به محیط اطراف آگاهی پیدا کرده و راه درست را از بی‌راهه تشخیص دهیم، هدایت نیز سبب تشخیص حق از باطل می‌شود. در واقع شخصی که شرح صدر دارد قدرت تشخیص حق از باطل و راه از بیراهه را دارد. بنابراین مفهوم «نور» به واسطه «روشنایی‌بخش بودن» بر مفهوم «هدایت» نگاشت شده است.

از سوی دیگر، در جدول (۴) دیدیم که به واسطه حرف اضافه «عَلَى» استعاره (مکنیه) «نور به مثابه مرکب» نیز از آیه قابل استنباط است. در این آیه خداوند شخصی که به او شرح صدر عطا نموده را «به سواره‌ای تشبیه کرده است که بر نوری سوار شده و راه می‌پیماید و از هر چه بگذرد (هر چه که بر دلش بگذرد)، آن را به خوبی می‌بیند و اگر حق باشد آن را از باطل تمیز می‌دهد.» (طباطبایی، ۱۷/۳۸۸) مفهوم «مرکب» به دلیل دارا بودن مشخصه سرعت و سهولت در حرکت (نسبت به پیاده رفتن) روی مفهوم «نور» نگاشت شده است. بنابراین شخصی که خدای تعالی به او شرح صدر عطا کرده است، علاوه بر داشتن قدرت تشخیص حق از باطل و راه از بیراهه، با سرعت و سهولت بیشتری به سوی هدف غایی خود در حرکت است.

دو استعاره‌ای که از این آیه برداشت می‌شوند در حوزه مفهومی «نور» با هم مشترک هستند. بنابراین ما با یک استعاره زنجیری سروکار داریم که به صورت زیر ترسیم می‌شود (نویدی باغی و دیگران، ۱۴۰۰):



شکل ۳: استعاره زنجیری دوجهی در «فَهُوَ عَلَي نُّورٍ مِّن رَّبِّهِ»

طبق نظر لیکاف و جانسون (*Metaphors we live by*, ۹۵) دلیل به‌کارگیری دو استعاره در یک مفهوم‌سازی آن است که در توصیف ابعاد مختلف یک مفهوم، برآورده کردن دو یا چند مقصود با یک استعاره امکان‌پذیر نیست و هر یک از استعاره‌ها بُعد خاصی از مفهوم مقصد را مفهوم‌سازی می‌کنند. در استعاره دوجهی ترسیم شده در شکل (۳)، استعاره «هدایت نور است» تنها جنبه روشنایی‌بخش بودن

هدایت را مفهوم‌سازی می‌کند. اما هدایت جنبه دیگری نیز دارد و آن سرعت و سهولت بخشیدن به حرکت مؤمن به سوی هدف تعیین شده است.^۱ بنابراین یک حوزه مبدأ دیگر (مَرکَب) در قالب یک استعارهٔ مکتبیه (و به عنوان یک استعارهٔ پشتیبان) به کار گرفته شده تا مفهوم حوزهٔ مبدأ استعاره اصلی (نور) را غنی‌سازی کند. فهرست دیگر استعاره‌های زنجیری دوجهی که در آنها مفهوم «نور» در حوزه مفهومی مشترک دو استعاره قرار دارد، در جدول زیر آمده است:

جدول ۵: استعاره‌های زنجیری دوجهی در قرآن با حوزه مفهومی مشترک «نور»

ردیف	آیه	حوزهٔ مبدأ ۱	حوزهٔ مقصد ۱ / حوزهٔ مبدأ ۲	حوزهٔ مقصد ۲
۱	نوری بر فراز نوری (نور: ۳۵)	شیء مسطح	نور	نبی/ امام / هدایت
۲	آنها را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند (بقره: ۲۵۷)	ظرف	نور	ایمان
۳	از طرف خدا نور و کتاب آشکاری بسوی شما آمد (مائده: ۱۵)	انسان	نور	قرآن
۴	آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند (توبه: ۳۲)	شعله	نور	دین اسلام
۵	نور آنها از پیشاپیش آنها و از سمت راستشان در حرکت است. (تحریم: ۸)	انسان	نور	ایمان/ عمل صالح
۶	به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید. (حدید: ۱۳)	شیء	نور	ایمان/ عمل صالح
۷	پس او بر فراز نوری از سوی پروردگار خویش است (زمر: ۲۲)	مَرکَب	نور	هدایت

۱ نکته قابل توجه در این آیه آن است که در زمان نزول قرآن و تا قرن‌ها پس از آن حرکت سریع نور کشف نشده بود؛ اما در این آیه به صورت تلویحی نور به مَرکَب تشبیه شده تا مشخصه حرکت سریع و آسان هم در مفهوم‌سازی «هدایت» لحاظ شود. حتی در عصر حاضر هم، مشخصه «روشنایی بخش بودن» نور چنان برجسته است که مشخصه «سرعت» آن را به حاشیه می‌راند. بنابراین، در عصر حاضر نیز تشبیه نور به مَرکَب به مفهوم‌سازی کامل «هدایت» کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش استعاره‌های مفهومی و استعاره‌های زنجیری دوجهبی واژه نور در قرآن معرفی و دسته‌بندی شدند. از آنجا که متون دینی عمدتاً حاوی مفاهیم انتزاعی، ناشناخته و متافیزیک هستند، کاربرد استعاره می‌تواند راهبرد مناسبی جهت قابل فهم ساختن آن برای مخاطب باشد. از ۴۳ واژه نور به کار رفته در قرآن، سه مورد در معنای لغوی خود، یعنی نور حسی و مادی و ۴۰ مورد دیگر به صورت استعاری به کار رفته‌اند. در این کاربردهای استعاری، نور به عنوان حوزه مبدأ، مفاهیم مختلفی را در حوزه مقصد مفهوم‌سازی می‌کند. در تفاسیر دهگانه بررسی شده مصداق‌های متعددی برای مفاهیم حوزه مقصد بیان شده است که بر طبق آنها ۶۳ استعاره مفهومی با حوزه مبدأ نور از قرآن استخراج شد. این استعاره‌ها خرده‌استعاره‌های چندین کلان‌استعاره‌ها در سه سطح هستند. در این کلان‌استعاره‌ها، مفهوم نور در حوزه مبدأ بر روی مفاهیم حوزه‌های مقصد در کلان‌استعاره‌های سطح دوم و سوم نگاشت می‌شود؛ این مفاهیم مقصد عبارت‌اند از: خداوند، پیام خداوند (دین خداوند، کتاب/کلام خداوند)، انتقال‌دهندگان پیام خداوند (نبی، امام/وصی پیامبر^(ص))، لطف خداوند (هدایت)، پذیرنده پیام خداوند، نتیجه قبول دعوت حق (ایمان، عمل صالح)، پاداش مؤمنان و جایگاه نزدیک به خداوند. این کلان‌استعاره‌ها خود زیرمجموعه کلان‌استعاره سطح یک هستند که همه کلان‌استعاره‌ها و خرده‌استعاره‌های ذکر شده را شامل می‌شود: «نور معنوی به مثابه نور مادی و حسی». علاوه بر آن، در ۷ مورد واژه نور به عنوان حوزه مقصد نیز به کار رفته است که توسط مفاهیمی چون «مَرکب»، «شعله آتش»، «شیء» و جز آن مفهوم‌سازی شده است.

علاوه بر استعاره‌های مفهومی با دو حوزه مفهومی، در این پژوهش استعاره‌های زنجیری دوجهبی دیگری با سه حوزه مفهومی نیز معرفی شدند که در آنها «نور» علاوه بر آن‌که حوزه مبدأ یک استعاره مصرّحه است، حوزه مقصد یک استعاره مکتبه نیز محسوب می‌شود. بنابراین، ما در یک استعاره زنجیری دوجهبی، با یک مفهوم‌سازی چندوجهی مواجه هستیم: استعاره اصلی و استعاره مکتبه‌ای که به کمک این مفهوم‌سازی آمده و نقش یک استعاره پشتیبان را بر عهده دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در قرآن هفت استعاره زنجیری دوجهبی با حوزه مفهومی مشترک «نور» به کار رفته است.

منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، چاپ چهارم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم،

۱۳۶۷.

ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.

ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، چاپ اول، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۰ق.
افراشی، آریتا و تورج حسامی، «تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان فارسی و اسپانیایی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال سوم، شماره ۵، صص ۱۶۵-۱۴۱، ۱۳۹۲ش.
افشار کرمانی، عزیزالله، «نور در منظر آیات و روایات»، پژوهش دینی، ۸، صص ۹۹-۸۶، ۱۳۸۳ش.
آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ دوم، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱ش.
بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، قم، ۱۴۱۵ق.

براتی، مرتضی؛ صالحی مازندرانی، محمدرضا؛ امامی، نصرالله و لویمی مطلق، کریم، «مفهوم‌شناسی تطبیقی استعاره در غرب و بلاغت اسلامی»، جستارهای ادبی، شماره ۱۹۲، ۱۲۸-۱۰۷، ۱۳۹۵ش.
جدی، حسین، بررسی نظام معنایی نور و ظلمت از منظر قرآن و روایات و مراتب انعکاس آن در ساحت وجودی انسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵ش.
جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، تصحیح احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶ق.

حجازی، بهجت‌السادات، «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن»، مجله فنون ادبی، ۱۶، صص ۱۰۲-۸۵، ۱۳۹۵ش.
خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، چاپ اول، دار الفکر العربی، بیروت، ۱۴۲۴ق.
رازیانی، فاطمه، بررسی استعاره مفهومی «نور» در قرآن: رویکرد شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۱۳۹۳ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴.
_____، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.

رویتوند غیاثوند، فاطمه، تحلیل معناشناسی سوره مبارکه نور با تکیه بر روش شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران، ۱۳۹۴ش.

زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، چاپ سوم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.

ساجدی، فاطمه سادات، تحلیل نور و ظلمت در قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵.

سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة، چاپ

- اول، سر الاسرار، تهران، ۱۳۷۲.
- سلوکی، زهرا، مفهوم‌شناسی واژگان نور و ظلمت در قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، ۱۳۹۳ ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، چاپ اول، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، چاپ اول، فراهانی، تهران، بی‌تا.
- طیار، زهره، نور در حکمت سهروردی و قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۹۳ ش.
- علمی سولا، محمد کاظم و زهرا رسولی، «بررسی ماهیت نور از منظر فلاسفه اسلامی، مفسران قرآن و فیزیک جدید»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، صص ۶۸۶-۶۸۸، ۱۳۹۳ ش.
- فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح‌الغیب، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ دوم، مؤسسه دارالهجرة، قم، ۱۴۱۴ ق.
- کوچش، زولتان، استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، نشر آگاه، تهران، ۱۳۹۶.
- گلمکانی، رامین، نور و ظلمت در قرآن از دیدگاه فلاسفه مفسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، ۱۳۸۹ ش.
- گیرتس، دیرک، نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی، ترجمه کورش صفوی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۹۳ ش.
- محمودیان، زینب، تحلیل معناشناختی و روابط معنایی در واژگان حوزه معنایی «نور» و «نار» در قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، ۱۳۹۵ ش.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی شیری، چاپ اول، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- میبیدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، چاپ پنجم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.

- نوبدی باغی، سکینه، تحلیل مفهومی واژه نور در قرآن کریم، چارچوب معناشناسی شناختی، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۸ ش.
- نوبدی باغی، سکینه؛ ایزانلو، علی؛ قائمی نیا، علیرضا؛ آزاد، علیرضا، «آمیزه‌های استعارای و استعاره‌های مفهومی زنجیری»، مجله ذهن، شماره ۸۸، صص ۹۵-۱۲۴، ۱۴۰۰ ش.
- Berrada, Khalid, "Metaphors of light and darkness in the holy Quran: a conceptual approach", Faculté des Lettres et des Sciences Humaines, 2006.
- Croft, William, and D. Alan Cruse, *Cognitive linguistics*. Cambridge University Press, 2004.
- Johnson, Mark, *The body in the mind. The bodily basis of meaning, imagination, and reason*. Chicago and London: University of Chicago Press, 1987.
- Kövecses, Zoltan, *Metaphor. A practical introduction*. New York, NY: Oxford University Press, 2002.
- Lakoff, George, *Women, fire, and dangerous things*. Chicago: University of Chicago press, 1987.
- Lakoff, George, "The Contemporary Theory of Metaphor", In Andrew Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (pp. 202-251), New York, NY: Cambridge University Press, 1993.
- Lakoff, George & Mark Johnson, *Metaphors we live by*. Chicago, IL: University of Chicago Press, 1980.
- Lakoff, George & Mark Johnson, *Philosophy in the flesh*, New York: Basic Books, 1999.
- Lakoff, George & Mark Turner, *More than cool reason: a field guide to poetic metaphor*, Chicago: University of Chicago Press, 1989.
- Navidi-Baghi, Sakineh, Ali Izanloo, Alireza Qaemini & Alireza Azad, "Metaphoric chains: Single-ground versus double-ground". *Review of Cognitive Linguistics. Published under the auspices of the Spanish Cognitive Linguistics Association, 19(2)*, (pp. 273-298), 2021.
- Ruiz de Mendoza, F.J. & Galera-Masegosa, A. (2011). Going beyond metaphonymy: metaphoric and metonymic complexes in phrasal verb interpretation. *Language Value*, 3(1): 1-29.
- Ruiz de Mendoza, F.J. & Galera-Masegosa A. (2012). Metaphoric and metonymic complexes in phrasal verb interpretation: metaphoric chains. In B. Eizaga (ed.), *Studies in linguistics and cognition* (pp. 157-185). Bern, Switzerland: Peter Lang Verlag.
- Ruiz de Mendoza, F.J. & Galera-Masegosa, A. (2014). *Cognitive modeling: A linguistic perspective*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Saeed, John I., *Semantics*, (4th edition). Chichester, West Sussex, UK: Wiley-Blackwell, 2016.